

## زریاب موسیقیدان

نعمات دل انگیزی که از ساز هنرمند اسپانیایی برمی خیزد و آواز دلکشی که از حنجره رسای خوانندگان چون آنطونیو مولینا الاشبیلی (Antonio Molina) و کونشیتا پیکیرا البلسیة (Conchita. Picpuer) بگوش میرسد شاید در نظر برخی از کسانی که از تطور موسیقی اندلسی آگاهی دقیقی ندارند يك موسیقی کاملاً اروپایی جلوه کند ولی دانشمندان و محققانی که از تاریخ تحول موسیقی اندلسی اطلاع وسیعی دارند بخوبی میدانند که فتح اندلس (اسپانیا) بدست مسلمین در سال ۹۲ هـ ق تأثیر عظیمی در پیشرفت موسیقی آن سرزمین داشته و موجب گردیده است که آهنگها و ادوات موسیقی مشرق بوسیله هنرمندان بارز مشرق بدانجا انتقال یابد و از جمله نوابغی که در پیشرفت و کمال موسیقی اندلس و انتقال شیوه های نوین بدانجا چه از لحاظ آهنگ سازی و چه از حیث استعمال آلات جدید موسیقی سهم وافری داشته علی بن نافع ملقب بزریاب است . وی از موالی مهدی و بنا بگفته البستانی صاحب دائرة المعارف از شاگردان موسیقیدان شهیر ابواسحق موصلی است اگر چه صاحب نفع الطیب او را در شمار تلامیذ ابراهیم ابن اسحق ذکر نموده است . اما کلمه زریاب همچنانکه خیرالدین الزرکلی در حاشیه کتاب مشهور خود الاعلام وادی شیردر کتاب الالفاظ الفارسیة العربیة گفته اند بمعنی آب زراست و صاحب تاج العروس متذکر شده که زریاب بکسرزا بنا بر قول ابن الاعرابی بمعنی طلا یا

آب آن است و کلمه مذکور معرب زر آب بفتح زاء میباشد که در تعریب بصورت زریاب درآمده است پس باعتبار قول فرهنگ نویسان تازی کلمه زر آب از لحاظ صرفی در دستور زبان فارسی اضافه مقلوب بوده و عیناً مانند گلاب میباشد ولی با این همه نگارنده اتفاق علمای لغت را بر معنی زریاب حمل بر صحبت کامل اقوال آنان نکرده و تحقیق و بررسی دقیق را پیرامون این کلمه ختم شده تلقی نمی نماید . بهر حال کلمه زریاب در زبان عربی دخیل از زبان فارسی بوده و معرب بودن آن اظهر من الشمس است . اما اطلاق زریاب بمعنی آب زر برای نایبغه موسیقی چندان معقول بنظر نمی رسد و تا مأخذ متقنی بدست نیاید تناسب صحیحی میان علی بن نافع و آب زر نتوان یافت اما تفسیری کسه بعقیده نگارنده تا حدی قریب بصحت است آنستکه زریاب در زبان عربی علاوه بر معنی آب طلا نام مرغی نیز میباشد و آن بنا بگفته کمال الدین دمیری در حیات الحیوان مرادف ابوزریق و قیق است چنانکه وی ذیل کلمه قیق گفته است :

پرنده ایست که اهل شام آنرا ابوزریق مینامند . این پرنده با مردم انس میگیرد و قبول تعلم میکند و از سرعت ادراک نیز برخوردار است . و شیخ احمد رضا صاحب متن اللغة در مجلد سوم ذیل کلمه زریاب گوید : زریاب بمعنی طلا و آب آن و دیگر نام مرغی است که آنرا ابوزریق و قیق نامند . این پرنده قابل تعلم بوده و دارای سرعت ادراک و دم سیاه است .

پس از گفته های سابق الذکر میتوان چنین استنباط نمود : از نظر اینکه زریاب دارای ادراک بسیار قوی بوده و در تعلم موسیقی زکاوت زاید الوصفی نشان داده تا آنجا که گوی سبقت از استاد خویش ابواسحق موصلی ره بوده و از طرف دیگر انیس مردم بخصوص ملوک و اشراف بوده است لذا وی را از لحاظ سرعت ادراک و قدرت تعلم و مؤانست بزریاب که همان ابوزریق است تشبیه کرده اند .

محل ولادت این نایبغه موسیقی تا آنجا که نگارنده تحقیق نمود روشن نگردید ولی احتمالاً میتوان گفت که وی ایرانی الاصل بوده و شاید در ری یا نواحی آن چشم بدنیا گشوده است .

نخست آنکه استاد عالیقدر آقای دکتر محمد معین (متع الله العالمین بفضلہ الكثير) در حاشیه‌ای که بردیوان اشعار علامه دهخدا (رحمه الله رحمة واسعة) مرقوم فرموده‌اند ذیل حاشیه صفحه‌ای که این شعر دهخدا مذکور گردیده است:

قول ابراهیم و بوالعبکی غزل  
لحن اسحاقی و زریابی جزل

متذکر شده‌اند که زریاب از موسیقیدانان ایرانی است اگر چه آقای دکتر معین در این قول بتقریرات شفاهی علامه دهخدا استناد نموده‌اند .

دیگر اینکه ابن خلدون در مقدمه خویش گفته‌است : موصلیان غلامی داشتند که نام او زریاب بود و او فن موسیقی را از آنان فرا گرفته و در آن مهارت یافته بود . از قول ابن خلدون میتوان استنباط نمود که زریاب بیشتر حیات خویش را در خدمت موصلیان بسر برده است و چنانکه میدانیم اساسا خانواده ابراهیم موصلی (ولادت ۱۲۵ هـ ق . ۷۴۳ فوت ۱۸۸ هـ ق . ۸۰۴ م .) ایرانی الاصل است و ابراهیم موصلی فرزند یکی از دختران دهقانان ایرانی است که خانواده دختر مذکور از پارس بکوفه گریخته بودند و بنا بر گفته مورخان اقامت ابراهیم موصلی در ری بطول انجامید و او در آنجا نخست بادوشار (دوشیر) و سپس باشاهک (شاه کوچک) ازدواج نمود و ازدومی ابواسحق موصلی بدنیا آمد (ولادت ۷۶۸ م . فوت . ۲۳۵ هـ ق . / ۸۵۰ م .) پس از اقوال سابق الذکر میتوان گفت : در روزگاری که ابراهیم موصلی در ری اقامت داشته‌است زریاب را که از اهالی و احتمالا از مولدین آنجا بوده بخدمت خویش آورده و با خود نیز بکوفه و بغداد برده‌است و زریاب در خدمت ابراهیم موصلی بوده تا آنکه پس از مرگ وی خدمت ابواسحق موصلی را اختیار کرده و از وی فن موسیقی را فرا گرفته است . دلیل دیگری که تاحدی بر ایرانی بودن زریاب دلالت میکند اطلاق کلمه‌ای فارسی بر این نابغه موسیقی است .

زریاب مقدمات موسیقی را نزد استاد خویش ابواسحق موصلی فرا گرفت و با مهارت تمام الفبای آنرا در ضمیر و حافظه خویش متمکن ساخت و مدتی با اشتیاق زاید الوصفی بتکمیل درس موسیقی پرداخت تا اینکه انگشتان هنرمندش در نواختن عود

زبردستی تمام بدست آورد و در نواختن ساز مذکور آنچنان تردستی یافت که محسود استادش ابواسحق قرار گرفت و بر اثر همین تبحر زریاب آتش رشک در دل ابواسحق افروخته شد و آنچنان پیکروی را بسوزانید که او سرانجام کینه نهانی خود را آشکار نمود و زریاب را مجبور بترك بغداد ساخت و این خواهش و تمنا بدنبال حادثه‌ای بود که در دربار رشید بوقوع پیوست . ابوالفرج الاصبهانی صاحب‌الآغانی گوید : روزی رشید خلیفه عباسی مجلس بیاراست و نوازندگان و خنیاگران را برای رامشگری فراخواند، زریاب که در آن مجلس حضور یافته بود منظور نظر خلیفه واقع گشت و رشید او را از فن غنا و ابداع وی در آن پرسید. زریاب پاسخ داد: آنچه را که مردمان در غنایمانند من نیز دروقوف بدان مهارت تمام دارم ولی آنچه را که من میدانم دیگران از دانستن آن ناتوان هستند اگر اجازت فرمایی در پیشگاهت آهنگی نوازم که مانند آنرا نشنیده‌ای؟ رشید فرمان داد که عوداستاد وی ابواسحق را حاضر نمودند ولی زریاب آنرا بدست نگرفت و گفت : مرا عودی است که بدست خود آنرا تراشیده‌ام با عود دیگری نواختن نتوانم. پس رشید دستور داد که عود وی را حاضر کردند . هنگامیکه رشید عود وی را شبیه عود اسحق دید گفت : چرا از بکار بردن عود استاد خود امتناع ورزیدی؟ گفت: اگر سوزوم دل دره‌های شنیدن ساز استاد من دارد ، با عود او بنوازم ولی اگر میخواهد با هنگ ساز من گوش فرادهد پس ناگزیرم که با عود خویش بنوازم. زریاب چنگ بر گرفت و چنان شور و هیجانی در دل خلیفه بیافکند که رشید شیفته وی شد و او را نزد خویش مقرب ساخت و وجودش را مفتنم دانست.

ابواسحق موصلی پس از این واقعه زریاب را تهدید نمود که یا بغداد را ترك گوید و یا برای بار دیگر در مجلس رشید حاضر نشود، در غیر اینصورت وی با تمام نیرو و قدرت در نابودی او خواهد کوشید سپس ابواسحق او را سوگند داد که بخاطر حق استادی هم شده است دیگر دربار گاه رشید حضور نیابد تا وی بتواند در آغوش نعمت خلیفه مرفه و آسوده روزگار بگذراند.

زریاب پس از تفکر بسیار با سفر بست و از بغداد دور گشت ، نخست بسوی سوریه، سپس بمصر و سرانجام بمغرب روانه شد و در آن دیار با خلیفه اموی حکم بن هشام

(۱۸۰-۲۰۶ هـ ق) که آخرین روزهای حیات را میگذرانیدم کاتبه نمود و او را از حال خویش با خبر ساخت ولی هنگامیکه بدانجا رسید خلیفه بدرود حیات گفته بود پس پسرش عبدالرحمن بن حکم (۲۰۶ هـ ق - ۲۳۰ هـ ق) مقدم او را گرامی داشت و چنانکه ابن خلدون در مقدمه خود گفته است عبدالرحمن شخصاً باستقبال زریاب رفت و در اگرام او سعی کافی مبذول کرد و از این پس زریاب در اندلس اقامت گزید و غنا و نوازندگی را در آنجا بمیراث گذارد و جهت اتمام این معنی بدرج سطوری چند از کتاب موشح در ادبیات عرب تألیف این بنده ناچیز اکتفا مینمایم:

زریاب موسیقیدان مشرق باندلس مسافرت کرد و مدرسه بزرگی را برای تعلیم و توسعه موسیقی مشرق زمین در آنجا دایر نمود. دامنه فعالیت خود را که در ابتدا بدربار محدود بود در سرزمین اندلس گسترش داد و با این ترتیب موسیقی شرقی را در آن سرزمین رایج نمود و شیوه او که تقریباً با این محرز چندان تفاوتی نداشت موجب گردید که شعرای اندلس قصد خود را که عبارت از سرودن اشعار غنایی باشد بمرحله عمل در آورند. زریاب علاوه بر شیوه های گوناگونی که در عالم موسیقی ایجاد نمود تغییرات ذیل را نیز از خود بیادگار گذارد:

۱- تازی قرمز رنگ بر تعداد تارهای عود که تا آن زمان بر حسب چهار طبع یعنی صفر و سوداء و بلغم و خون بود از چهار تار تجاوز نمیکرد اضافه نمود و آنرا بمنزله روح از برای جسم قرار داد.

۲- زخمه عود را که تا آن زمان از چوب بکار میرفت پیرهای کرکس مبدل ساخت.

۳- آهنگ سازی را مطابق اسلوب عراقی بجای شیوه حجازی در اندلس رایج نمود. زریاب علاوه بر ابتکارات سابق الذکر عادات ذیل را نیز در اندلس مرسوم کرد:

۱- استعمال ادوات شیشه ای در مجلس شراب بجای ظروف طلائی.

۲- استفاده از لباسهای سفید رنگ در تابستان و قراردادن جامه مناسبی برای

هر یک از فصول چهارگانه.

۳- بکار بردن شیرینی خاصی که امروز نزد عرب بزلایه (محرز زریابیه) معروف است

۴- پهن کردن روی میزی بر روی غذا.

۴- بدنبال ایجاد شیوه نوین زریاب، خواننده آواز خود را نخست با نشیط شروع میکرد و آنگاه بسیط میخواند و سپس آنرا با اهلیج بیابان میرسانید. زریاب تعلیم آوازا بر اساس مبادی فلسفی و طبیعی بنیان نهاده بود تا از این راه تربیت شاگرد و میزان صدا و حرکات دهان وی بسهولت انجام شود ولی پیش از هر چیز شاگرد درامیآزمود تا از استعداد او برای فرا گرفتن آواز مطمئن شود و هر گاه صدایش را مناسبت آواز نمیدانست از تعلیم وی خودداری میورزید.

زریاب نه تنها موسیقیدان زبردستی بود بلکه از ادب نیز بهره وافی داشت چنانکه بنا بگفته بلانثیا مستشرق اسپانیایی وی ده هزار قطعه را با آهنگ هر یک در حفظ داشت. این نابغه موسیقی بسال ۲۳۰ ه ق (۴۸۴۵) در قرطبه بدرود حیات گفت و با خدماتی که بعالم هنر در اندلس نمود نام خویش را در صحیفه روزگار جاویدان کرد.

#### فهرست منابع

- ۱- الاعلام تألیف خیرالدین الزرکلی. طبع ۲
- ۲- الالفاظ الفارسیة المعربة تألیف ادی شیر چاپ بیروت سال ۱۹۰۸.
- ۳- ادب الاندلس و تاریخها ترجمه محمد عبدالهادی شعیبه. مصر ۱۹۵۱
- ۴- اسحاق الموصلی. الموسیقا الرندیة تألیف دکتر محمود احمد الحنفی چاپ مصر
- ۵- الاغانی تألیف ابوالفرج الاصبهانی. طبع دارالکتب. ج ۴
- ۶- تاج العروس. جلد اول.
- ۷- حیاة الحیوان تألیف کمال الدین دمیری چاپ مصر سال ۱۳۰۶
- ۸- دیوان دهخدا باهتمام دانشمند معظم جناب آقای دکتر معین چاپ ۱۳۳۴
- ۹- دائرة المعارف تألیف البستانی. چاپ ۱
- ۱۰- الفکر الاندلسی تألیف بلانثیا (Palancia) ترجمه دکتر یونس ۱۹۵۵
- ۱۱- نفع الطیب جلد ۲ باهتمام محمد محیی الدین عبدالحمید.
- ۱۲- متن اللغة. تألیف شیخ احمد رضا
- ۱۳- مقدمه ابن خلدون ترجمه آقای محمد پروین کنا بادی.
- ۱۴- موشح در ادبیات عرب تألیف نگارنده چاپ سال ۱۳۴۲